
تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۲۴

آیه ۱۳۴-۱۳۶

آیه و ترجمه

و لما وقع عليهم الرجز قالوا ي موسى ادع لنا ربك بما عهد عندك لئن كشفت
عنا الرجز لنؤمنن لك و لنرسلن معك بنى اسرائيل ۱۳۴
فلما كشفنا عنهم الرجز الى اجل هم بلغوه اذا هم ينجثون ۱۳۵
فانتقمنا منهم فاغرقنهم في اليم بانهم كذبوا بايتنا و كانوا عنها غفلين ۱۳۶
ترجمه :

۱۳۴ - هنگامی که بلا بر آنها مسلط می شد می گفتند: ای موسی از خدایت
برای ما بخواه به عهدهی که با تو کرده رفتار کند، اگر این بلا را از ما مرتفع
سازی قطعا به تو ایمان می آوریم و بنی اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد.
۱۳۵ - اما هنگامی که بلا را پس از مدت معینی که به آن می رسیدند از آنها
برمی داشتیم پیمان خویش را می شکستند!
۱۳۶ - سرانجام ما از آنها انتقام گرفتیم و آنها را در دریا غرق کردیم زیرا آیات
ما را تکذیب کردند و از آن غافل بودند .

تفسیر :

پیمان شکنیهای مکرر

در این آیات واکنشی را که فرعونیان در برابر بلاهای آموزنده و بیدار کننده
پروردگار نشان دادند، بیان شده است، و از مجموع آنها استفاده می شود که
آنان هنگامی که در چنگال بلا گرفتار می شدند - همانند همه تبهکاران -
موقتا از خواب

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۲۵

غفلت بیدار می گشتند، و به دست و پا می افتادند و از موسی (علیه السلام)
می خواستند که دست به دعا بردارد و نجات آنها را از خدا بخواهد اما همین که
طوفان بلا و امواج حوادث فرو می نشست، همه چیز را فراموش کرده به حال
اول باز می گشتند.

«در آیه نخست می‌خوانیم هنگامی که بلا بر آنها مسلط میشد، می‌گفتند ای موسی، برای ما از خدایت بخواه تا به عهدی که با تو کرده‌است وفا کند، و دعایت را در حق ما مستجاب نماید» (و لما وقع علیهم الرجز قالوا یا موسی ادع لنا ربک بما عهد عندک).

اگر تو این بلا را از ما برطرف سازی، سوگند یاد می‌کنیم که قطعا هم‌خودمان به تو ایمان خواهیم آورد و هم بنی اسرائیل را آزاد ساخته و با تومی فرستیم (لئن کشفتم عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی اسرائیل). «رجز» در معانی زیادی به کار رفته است «بلاهای سخت، طاعون، بت و بت‌پرستی، وسوسه شیطان، و برف یا تگرگ سخت».

ولی همه اینها مصداقهای مختلفی است از مفهومی که ریشه اصلی آن را تشکیل می‌دهد، زیرا ریشه اصلی آن به طوری که راغب در کتاب مفردات گفته، همان اضطراب است و به گفته «طبرسی» در «مجمع البیان» مفهوم اصلیش انحراف از حق می‌باشد، بنابراین اگر به مجازات و کیفر و بلا «رجز» گفته می‌شود، برای این است که بر اثر انحراف از حق و ارتکاب گناه، دامن انسان را بگیرد، همچنین بت‌پرستی یک نوع انحراف از حق و اضطراب در عقیده است، و نیز به همین جهت عربها به یک نوع بیماری که به شتر دست می‌دهد و سبب لرزش پای او می‌گردد، تا آنجا که مجبور است گامها را کوتاه بردارد، گاهی راه برود و گاهی توقف کند «رجز» (بر وزن مرض) می‌گویند، و اینکه ملاحظه می‌کنیم به اشعار جنگی، رجز اطلاق می‌شود آن نیز به خاطر آن است که دارای مقطعه‌ای کوتاه و نزدیک

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۲۶

به هم می‌باشد.

به هر حال منظور از رجز در آیات فوق، ظاهرا همان مجازاتهای بیدارکننده پنجگانه‌ای است که در آیات قبل به آن اشاره شد، اگر چه بعضی از مفسران احتمال داده‌اند که اشاره به بلاهای دیگری باشد که خداوند بر آنها نازل کرد، که در آیات گذشته به آن اشاره نشده است، از جمله بلای طاعون و یا برف و تگرگ شدید و مرگبار که در تورات نیز به قسمت اخیر اشاره شده است.

در مورد جمله «بما عهد عندک» و اینکه منظور از آن عهد الهی که نزد موسی بوده چیست مفسران گفتگو کرده‌اند، آنچه نزدیکتر به نظر میرسد این

است که منظور از آن وعده‌ای است که خدا به موسی داده بود که اگر دعا کند، دعایش به اجابت می‌رسد، ولی این احتمال را نیز داده‌اند که منظور از عهد همان عهد نبوت است و با باء قسم می‌باشد یعنی «ترا به حق مقام نبوتی که داری سوگند می‌دهیم» که برای برطرف شدن این حوادث دردناک دعا کن.

در آیه بعد، اشاره به پیمان شکنی آنها کرده، و می‌گوید: «هنگامی که بلارا پس از مدت تعیین شده‌ای از آنها برمی‌داشتیم، پیمان خود را می‌شکستند نه خودشان ایمان می‌آوردند و نه بنی اسرائیل را از زنجیر اسارت رها می‌ساختند (فلما کشفنا عنهم الرجز الی اجل هم بالغوه اذاهم ینکثون) جمله «الی اجل هم بالغوه» اشاره به این است که موسی، برای آنها مدتی تعیین می‌کرد، و می‌گفت در فلان وقت، این بلا برطرف خواهد شد، برای اینکه کاملاً روشن شود این دگرگونی تصادفی نبوده، بلکه به برکت درخواست او از خدا بوده است.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۲۷

جمله «اذا هم ینکثون» با توجه به اینکه «ینکثون» فعل مضارع است و دلیل بر استمرار می‌باشد نشان می‌دهد که آنها مکرر باموسی پیمان می‌بستند سپس آنرا می‌شکستند، بطوری که پیمان شکنی جزء برنامه آنها شده بود. آخرین آیه، سرانجام این همه خیره‌سری و سرکشی و پیمان شکنی را درد و جمله کوتاه بیان می‌کند، نخست به صورت سربسته می‌گوید: ما از آنها انتقام گرفتیم (فانتقمنا منهم)

سپس این انتقام را شرح می‌دهد و می‌گوید آنها را در دریا غرق کردیم زیرا آنها آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند (فاغرقناهم فی الیم بانهم کذبوا بایاتنا و کانوا عنها غافلین)

نه اینکه برآستی غافل بودند، زیرا بارها با وسائل مختلف موسی (علیه السلام) به آنها گوشزد کرده بود، بلکه عملاً همچون غافلان بیخبر کمترین توجهی به آیات خدا نداشتند. شک نیست که منظور از انتقام الهی این نیست که خداوند همانند اشخاص

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۲۸

کینه‌توز به مقابله برخیزد و در برابر اعمال دیگران واکنش نشان دهد بلکه منظور از انتقام الهی آن است که جمعیت فاسد و غیر قابل اصلاح را که در نظام آفرینش حق حیات ندارند، نابود سازند، و انتقام در لغت عرب چنانکه سابقاً هم گفته‌ایم به معنی مجازات و کیفر دادن است، نه آنچنانکه در فارسی امروز از آن فهمیده می‌شود.